

اسباب زوال ایجاب در کنوانسیون بیع بین المللی کالا

مصوب ۱۹۸۰ و تطبیق آن با حقوق ایران

حمید ابهری^۱

علی باقری^۲

میثم رامشی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۱۶

چکیده

در عقود مکاتبه‌ای بعد از آنکه گوینده به نحوی ایجاب خود را ابراز کرد، ممکن است در فاصله منضم شدن قبولی، عللی اعم از ارادی یا غیرارادی رخ دهد که سبب زدوده شدن ایجاب گردد. این مهم از بحث در عقود حضوری خارج است چرا که در این عقود بلافاصله یا در فاصله اندک بعد از ایجاب، قبول به آن ملحق و بیع منعقد می‌گردد. اسباب زوال ایجاب در مواردی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا معین شده است. این مقررات، هر چند کوتاه ولی فی‌الواقع به خوبی تبیین شده است و اندک مواردی جای تردید و ابهام نسبت به آن بوجود می‌آید. از آنجا که در حقوق ایران نه تعریفی از ایجاب به عمل آمده و نه موارد زائل شدن آن معین شده، لذا در پژوهش حاضر کوشش می‌شود که ضمن تعریف و بررسی ایجاب، موارد پایان یافتن آن واکاوی شود تا بتوان این خلأ قانونی را به نحوی جبران کرد.

واژگان کلیدی: عقود مکاتبه‌ای، ایجاب، زوال ایجاب، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

مقدمه

امروزه با توجه به گسترش مبادلات تجاری و پیشرفت فناوری اطلاعات در عرصه بین‌المللی، عقود مکاتبه‌ای و از راه دور نیز گسترش یافته است لذا با در نظر گرفتن نقش و تأثیر ایجاب در انعقاد قرارداد لازم است در چنین عقود ایجاب و موارد زوال آن بررسی شود. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا^۴ (ماده ۱۴) ایجاب را شناسایی کرده و در مواد بعدی به طور پراکنده موارد زوال ایجاب را پیش‌بینی کرده است که شامل عدول از ایجاب، منقضی شدن زمان قبولی، ایجاب متقابل و رد آن از سوی مخاطب می‌شود. در سایر موارد که کنوانسیون نصی ندارد بنا بر قاعده، جهت حل اختلاف باید به قانون ملی کشور طرفین رجوع کرد. حول این مسأله در حقوق ایران، راه‌حلهایی در آثار فقهای امامیه و حقوق دانان دیده

۱- دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول).

۲- دانشجوی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه مازندران Bagheri_ali19@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

۱- از این پس جهت اختصار، بجای کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا واژه "کنوانسیون" خواهد آمد.

می‌شود که به دلیل گستردگی بحث، مجال ارائه آن در این مقاله نیست. یکی از بحث‌های مهم و اختلافی در زمینه زوال ایجاب در کنوانسیون و حقوق ایران، بحث امکان عدول از ایجاب می‌باشد چرا که در فاصله ایجاب گوینده تا قبول مخاطب با توجه به نوسان ارزش پول و همچنین پیدا شدن مشتری مناسب تر، این احتمال وجود دارد که موجب بخواهد ایجابش را پس بگیرد. اما در ماده ۱۶ کنوانسیون و نظریات حقوق دانان معاصر ایجاب‌های غیر قابل عدول برشمارده شده و عدول از آن بلااثر است. در بخش نخست این پژوهش به تعریف ایجاب و زمان نفوذ آن پرداخته می‌شود و در بخش بعدی اسباب زوال ایجاب در گفتارهای جداگانه مورد تحلیل و مذاقه قرار خواهد گرفت.

۱- ایجاب

۱-۱ ایجاب در کنوانسیون و حقوق ایران

ایجاب در کنوانسیون این گونه معرفی شده است «پیشنهاد انعقاد قرارداد به یک یا چند فرد معین، چنانچه به اندازه کافی مشخص و دال بر قصد التزام ایجاب کننده در صورت قبول طرف مقابل باشد»^۵. به نظر این ماده در جهت پیش بینی شرایط ایجاب وضع شده است نه تعریف آن. حقوق دانان ایجاب را در کنوانسیون، اعطای اختیار به مخاطب برای انعقاد قرارداد مطابق با شرایط ایجاب، با قبول آن معرفی کرده‌اند (Sono, ۱۹۸۶, p. ۱۱۹).

بر طبق ماده ۱۴ هر پیشنهادی را نمی‌توان ایجاب محسوب کرد و قیودی برای شناسایی ایجاب ذکر شده، یکی اینکه به اندازه کافی مشخص باشد که ادامه ماده این مورد را تشریح کرده و آمده که پیشنهاد در صورتی به اندازه کافی مشخص است که کالا را مشخص نموده و بنحو صریح یا ضمنی، مقدار کالا و ثمن را معین یا ضوابطی جهت تعیین آن دو مقرر نماید و دیگر اینکه پیشنهاد به گونه ای باشد که قصد التزام موجب، در صورت قبول طرف وجود داشته باشد یعنی ایجاب باید قاطع باشد. چنانچه برخی آورده‌اند ایجاب عبارتی است که مقصود از آن، در صورت قبول شدن صحیح و قانونی از سوی مخاطب ایجاب، منتج به قراردادی الزام آور می‌گردد. (اشمیتوف، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۹) پس ایجاب را نباید با گفتگوهای مقدماتی یا دعوت به معامله اشتباه گرفت.

هم چنین از بند یک ماده دیده شده برمی آید که مخاطب ایجاب باید فرد یا افراد معین باشد و در بند ۲ ماده اعلام می‌دارد که هر گاه مخاطب پیشنهاد، افراد نامعین باشند ایجاب محسوب نمی‌شود بلکه یک پیشنهاد ساده تلقی خواهد شد مگر اینکه پیشنهاد دهنده خلاف آن را به وضوح اعلام کند یعنی اعلام نماید که چنین پیشنهادی، ایجاب است. بنابراین اصولاً پیشنهاد به افراد نامعین ایجاب محسوب نمی‌شود مگر اینکه پیشنهاد دهنده خلاف آن را به وضوح اعلام کند.

در قانون مدنی تعریفی از ایجاب ارائه نشده اما از ماده ۱۹۱ ق.م. برمی آید که اراده باطنی شخص باید به گونه ای اعلام شود. لذا شخص موجب باید به طریقی قصد و اراده خود را ابراز نماید؛ چنانکه برخی آورده‌اند "ایجاب اعلام اراده کسی است که دیگری را بر مبنای معینی به عقد بستن می‌خواند." (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۸۲) حال چه از طریق لفظ چه اشاره چه عمل شخص موجب. (ماده ۱۹۴ ق.م.) ایجاب و قبول نزد مشهور فقها دو رکن تشکیل عقد محسوب می‌شود و گفته شده که برای تشکیل عقد وجود دو انشای موجب و قابل ضرورت دارد و ایجاب و قبول در ایجاد آثار حقوقی عقد

نقش یکسانی دارند، اما برخی ایجاب را وجود کاملی دانسته‌اند که عقد را به تنهایی پدید می‌آورد و نقش قبول را در حقیقت تائید آنچه که با ایجاب شکل گرفته می‌دانند نه رکنی از عقد. (ر.ک به: محقق داماد و دیگران، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۸۵ به بعد)

در حقوق ایران برخلاف کنوانسیون، ایجاب ممکن است به شخص معین یا عموم مردم باشد چنانکه در ماده ۵۶۱ ق.م.د در خصوص عقد جعاله ایجاب به عموم مورد پذیرش واقع شده و وجود چنین ایجابی را می‌توان در تمام عقود پیش بینی کرد.

از بررسی‌های به عمل آمده تعریف صحیحی از ایجاب به دست می‌آید و آن عبارت است از: «ایجاب، پیشنهادی است که به اندازه کافی مشخص و مبین قصد گوینده آن برای ایجاد التزام باشد خواه پیشنهاد ناظر به شخص معین یا عموم مردم باشد». با این تعریف، ایجاب به عنوان اظهار نخستین تعهد (افتخاری، ۱۳۸۲، ص ۹) از مواردی چون وعده یک طرفی معامله (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۶۹) دعوت به مذاکره یا پیشنهاد ساده منفک می‌شود بدین گونه که در ایجاب شخص قصد قطعی بر انجام معامله دارد و در صورتی که طرف معامله ایجاب را قبول کند قرارداد منعقد می‌شود در حالی که در دعوت به مذاکره، شخص تنها پیشنهاد گفتگو و مذاکره در مورد موضوع قرارداد را به طرف دیگر می‌دهد و هیچ الزامی را برای انجام معامله وجود ندارد. به عبارتی دعوت برای ایجاب، ایجاب نیست. (قاسم زاده، ۱۳۸۹، ص ۶۳) در مواردی تشخیص اینکه یک پیشنهاد ایجاب بوده یا دعوت به مذاکره دشوار است، در صورت ایجاد اختلاف، دادگاه با توجه به اوضاع و احوال تشخیص می‌دهد که پیشنهاد ارائه شده ایجاب بوده یا منظور از پیشنهاد تنها دعوت به مذاکره معامله بوده است. (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۶۹)

۱-۲ زمان نفوذ و اعتبار ایجاب در کنوانسیون و حقوق ایران

زمان نفوذ و اعتبار ایجاب در قابل عدول یا عدم قابلیت عدول حائز اهمیت است و در اکثر نظام‌های حقوقی زمان نفوذ ایجاب مشخص شده است؛ کنوانسیون نیز این مورد را پیش بینی کرده و در بند یک ماده ۱۵ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «ایجاب از زمان وصول توسط مخاطب ایجاب، نافذ است.» منظور از نفوذ در این بند زمانی است که ایجاب از آن موقع می‌تواند توسط مخاطب مورد پذیرش قرار گیرد. ماده ۲۴ کنوانسیون نیز نحوه وصول ایجاب به مخاطب را مشخص کرده است و آمده که از نظر این کنوانسیون ایجاب، اعلام قبول یا سایر انواع بیان اراده، هنگامی به مخاطب واصل می‌شود که شفاهاً به اطلاع وی رسانده شود یا به طریق دیگر به شخص او، به محل تجارت یا به نشانی پستی‌اش و چنانچه محل تجارت یا نشانی پستی نداشته باشد به محل سکونت او تحویل گردد. «پس اگر ایجاب به صورت شفاهی باشد، همین که به اطلاع مخاطب رسانده شود واصل شده تلقی می‌گردد و اگر کتبی باشد تحویل نامه حاوی آن به شخص او یا به محل تجارت یا آدرس پستی مخاطب یا به محل سکونت عادی وی واصل شده تلقی می‌شود» (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۳۸) البته طرفین مطابق ماده ۶ کنوانسیون مختارند مکان خاصی یا شخص خاصی را برای وصول برگزینند.

حال سوألی که مطرح می‌شود این است که در فرضی مخاطب قبل از وصول ایجاب از پیشنهاد موجب به نحوی آگاه گردد آیا می‌تواند قبول خود را اعلام دارد به عبارت دیگر آیا چنین اطلاعی قبل از وصول معتبر است؟ پاسخ بنا بر نص

ماده که اشاره دارد از زمان وصول به مخاطب نافذ است، منفی است. پس مطابق کنوانسیون در هر جایی که نظریه وصول حاکم است باید آن مورد واصل گردد تا معتبر و دارای آثار حقوقی شود.

پیرامون زمان نفوذ و اعتبار ایجاب در حقوق ایران، نص قانونی و رویه قضایی دیده نمی‌شود. برخی نظریه وصول را در حقوق ایران نیز قابل اعمال دانسته‌اند و آورده‌اند که تا زمانی که ایجاب به مخاطب نرسیده در قابل استرداد بودن آن تردیدی نیست، بعد از وصول به مخاطب هم تا زمانی که مخاطب قبول خود را اعلان نکرده، ایجاب قابل رجوع است. (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۴۴) برخی به نظر هم نظریه وصول و هم نظریه اطلاع از ایجاب را مورد پذیرش قرار داده‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۹۶ - ۲۹۷) برخی نظریه اطلاع را منطبق با موازین فقهی و اصول حقوقی دانسته‌اند و معتقدند تا موقعی که مخاطب از ایجاب اطلاع نیافته باشد، برخورد و تطابق قصدها که جوهره عقود هستند امکان ندارد. (اسماعیلی، ۱۳۷۷، ص ۷۸) به نظر می‌رسد فارغ از اینکه بخواهیم زمان اعتبار ایجاب را در حقوق ایران بررسی کنیم نتیجه ای که از عدم نص قانونی در این زمینه حاصل می‌شود این است که ایجاب تا قبل از انعقاد قرارداد قابل رجوع است مگر اینکه موجب خود را به نحوی ملزم به ننگ داشتن ایجاب کند یا مدتی برای قبولی ذکر شود که حاکی از الزام آور بودن ایجاب باشد. حال باید دید که قرارداد در چه زمانی منعقد می‌شود؛ چرا که اصل قابلیت رجوع تا قبل از انعقاد قرارداد حکم فرم است. در پاسخ حقوق دانان نظریه‌هایی حسب مورد در خصوص وصولی قبولی، ارسال قبولی، اعلام قبولی اظهار داشته‌اند.^۶ نتیجه ای که از دید اکثریت حقوق دانان در خصوص زمان انعقاد قرارداد حاصل می‌شود، نظریه ارسال قبولی است زیرا زمانی که قابل نامه قبولی را ارسال می‌کند، قصد قطعی خود را اعلام داشته است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. (اصغری آقمشهدی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۵) و این قصد و اراده انشایی با ارسال قبولی از سوی او نمود خارجی و عملی پیدا می‌کند و اراده واقعی وی را برای انشاء عقد نشان می‌دهد. (رستمی چلکاسری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰)

بنابراین در حقوق ایران نیز همانند کنوانسیون اصل بر قابلیت رجوع از ایجاب قبل از انعقاد قرارداد است زیرا همان اراده ای که آن را بوجود آورده می‌تواند آن را از بین ببرد و فی الواقع باید گفت که هنوز حقی برای طرف مقابل بوجود نیامده است. نکته بعدی این است که هر چند زمان انعقاد قرارداد مطابق ماده ۲۳ کنوانسیون زمان وصول قبولی است و در حقوق ایران زمان ارسال قبولی اما در خصوص قابلیت رجوع این دو نظریه (وصول قبولی در کنوانسیون، ارسال قبولی در حقوق ایران) در تطابق قرار می‌گیرند بدین توضیح که مطابق ماده ۱۶ کنوانسیون رجوع پیش از قرارداد باید قبل از ارسال قبولی مخاطب صورت گیرد والا بلااثر است، در حقوق ایران نیز رجوع چنانکه بحث شد قبل از ارسال قبولی امکان پذیر است، پس می‌توان گفت در این مورد هم حقوق ایران منطبق با کنوانسیون است و رجوع از ایجاب تا قبل از ارسال قبولی ممکن است.

برخی این مورد را مطابق با کنوانسیون نمی‌دانند و به نظر می‌رسد دیدگاهشان ناشی از آن است که قائل به نظریه ارسال قبولی برای انعقاد قرارداد در حقوق ایران نیستند. (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۴۵)

۲- اسباب زوال ایجاب

۶- جهت ملاحظه مبسوط این نظریات و نقد آن‌ها رجوع کنید به: رستمی چلکاسری، ۱۳۸۹: ۹۵ الی ۱۱۱

با بررسی و تدقیق در مواد کنوانسیون چهار مورد را می‌توان یافت که سبب زوال ایجاب می‌گردند:
عدول از ایجاب، انقضای مدت مشخص شده برای قبولی، رد ایجاب از سوی مخاطب و ایجاب متقابل

۲-۱ عدول از ایجاب

۲-۱-۱ عدول از ایجاب در کنوانسیون

در این بند وضعیت ایجاب را در فاصله قبول از طرف مقابل بررسی خواهیم کرد، اینکه آیا ایجاب در فاصله بین ایجاب موجب تا قبول قابل، قابل رجوع است یا خیر؟ آنچه مسلم است این است که اگر ایجاب مورد قبول مخاطب واقع شود سبب انعقاد عقد می‌شود و رجوع از ایجاب پس از قبول بی‌تردید اثری ندارد. چنانچه گفته شد کنوانسیون وصول ایجاب توسط مخاطب را زمان نافذ شدن ایجاب می‌داند، ما نیز بر این مبنا رجوع از ایجاب را پیش از نافذ شدن ایجاب و پس از آن تفکیک کرده و جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۱-۱-۱ رجوع از ایجاب پیش از نافذ شدن آن

طبق بند ۲ ماده ۱۵ کنوانسیون «ایجاب حتی در صورتی که به نحو غیرقابل رجوع باشد، قابل انصراف است مشروط بر اینکه اعلام استرداد، پیش از وصول ایجاب یا همزمان با آن به مخاطب برسد». در ابتدای امر باید گفت این بند منحصرأً به رجوع از ایجاب غیر قابل رجوع مربوط می‌شود. (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۴۱)

هر چند از متن ماده چنین استدلالی استخراج نمی‌شود^۷ چون ایجاب در ابتدای بند ۲ ماده مطلق آمده و در ادامه در خصوص یک نوع از ایجاب (ایجاب غیرقابل رجوع) شرطی را برای رجوع از آن بیان کرده است. اما با وجود بند یک ماده ۱۶ این نتیجه حاصل می‌گردد که مقصود از ایجاب بند ۲ ماده ۱۵ فقط ایجاب غیرقابل رجوع است چون در بند یک ماده ۱۶ ایجاب ساده حتی پس از نافذ شدن هم قابل رجوع است.^۸ برخی به اشتباه بند ۲ ماده ۱۵ را در تعارض با بند یک ماده ۱۶ می‌دانند (شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۲)، زیرا به نظر می‌رسد به این امر واقف نبودند که بند یک ماده ۱۶ مربوط به ایجاب ساده است و بند ۲ ماده ۱۵ مربوط به ایجاب غیر قابل عدول.

در هر زبانی واژه انصراف^۹ و عدول^{۱۰} با هم مترادف‌اند اما به نظر در کنوانسیون این دو واژه دارای معانی متفاوتی است و آمده که این دو واژه ثمرات قانونی متفاوتی دارد. (داراب پور، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۰۴ - ۲۰۵) زیرا رجوع از ایجاب در ماده ۱۵ با واژه انصراف بیان شده و آن را با عدول که مربوط به رجوع پس از نافذ شدن ایجاب است متمایز ساخته است. هم چنین برخی معتقدند که این دو واژه را باید به طور واضح از هم متمایز کرد (Sono, ۱۹۸۶, p. ۱۱۶). نظر شارحین کنوانسیون و حقوق دانان بر این است که اگر موجب قبل از وصول ایجاب به مخاطب، درصدد انصراف از ایجابش باشد

۷- "An offer, even if it is irrevocable" یک ایجاب، حتی اگر غیرقابل رجوع باشد.

۸- بند یک ماده ۱۶: مادامی که قرارداد منعقد نشده است، ایجاب قابل رجوع می‌باشد بشرطی که رجوع پیش از آنکه مخاطب ایجاب قبولی خود را ارسال دارد، به وی واصل گردد.

۹- withdrawal

۱۰- revocation

از واژه «*withdrawal*» استفاده می‌شود و اگر بعد از وصول ایجاب به مخاطب بخواهد از ایجابش منصرف گردد از واژه «*revocation*» استفاده خواهد شد. اما واقعیت امر این است که عملاً تفاوتی بین این دو واژه وجود ندارد و به نظر می‌رسد این تفکیک معانی فقط در بحث تئوری مفید فایده باشد.

طبق مقرر ماده ۱۵ کنوانسیون رجوع از ایجاب قبل از نافذ شدن ایجاب، خسارت و ضرری برای مخاطب ایجاد نمی‌کند زیرا هنوز پیشنهاد به دست مخاطب نرسیده و هیچ توجیهی بر غیرقابل عدول بودن ایجاب در این حالت وجود ندارد.

۲-۱-۱-۲. عدول از ایجاب بعد از نافذ شدن آن

در بند یک ماده ۱۶ کنوانسیون آمده است که "مادامی که قرارداد منعقد نشده است، ایجاب قابل رجوع می‌باشد به شرطی که رجوع، پیش از آن که مخاطب ایجاب قبولی خود را ارسال دارد، به وی واصل گردد." حتی در جایی که این پیشنهاد به عموم مردم بوده است. (<http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/ziegel16.html>).

مشخص است کنوانسیون حتی ایجابی را که به مخاطب رسیده را قابل رجوع دانسته است، پیش‌تر در این خصوص به طور مختصر مطالبی گفته شد، در اینجا به این مبحث می‌پردازیم که امکان رجوع مذکور در این بند با چه شرایطی امکان پذیر است.

۲-۱-۱-۲. قبولی واصل نشده باشد

اگر قبولی وصول شده باشد بیع منعقد شده است و رجوع بعد آن بی تأثیر است. کنوانسیون، در خصوص انعقاد قرارداد، حقوق کامن لا را مورد پذیرش قرار داده است؛ لذا دو انشای متعاقب یکدیگر (ایجاب و قبول) مبنای انعقاد عقد هستند (Schlechtriem & butler, ۲۰۰۹, p. ۶۵). در نظام‌های حقوقی این مهم پذیرفته شده است که به محض انعقاد قرارداد طرفین عقد ملتزم و پایبند به آن خواهند بود. کنوانسیون نیز در تبعیت از همین حکم، استرداد ایجاب را تنها قبل از تشکیل قرارداد جایز می‌شمرد.

۲-۱-۱-۲. رجوع باید قبل از ارسال صورت گیرد

کنوانسیون در رابطه با زمان انعقاد قرارداد تئوری وصولی قبولی را پذیرفت و با وجود اینکه نظریه وصول بر مواد کنوانسیون حاکمیت دارد اما در این ماده وضع به گونه‌ای متفاوت است. بدین توضیح که هر چند در ابتدای ماده ۱۶ نظر کنوانسیون بر نظریه وصول بوده اما در ادامه ماده محدوده زمانی برای رجوع از ایجاب مقرر کرد: «به شرطی که رجوع پیش از آنکه مخاطب ایجاب قبولی خود را ارسال دارد، واصل گردد». که طبق این قسمت از ماده معیار زمان ارسال قبولی مورد پذیرش قرار گرفته است.

در نظام کامن لا قدیم ایجاب در هر حال قابل رجوع بود هر چند به صورت غیرقابل رجوع بیان می‌شد مشروط بر اینکه قبل از انعقاد قرارداد، نامه حاوی رجوع به مخاطب رسیده باشد (داراب پور، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۱۵). چنین وضعیتی به ضرر مخاطب بود زیرا او در حالت ابهام و سرگردانی قرار داشت که آیا ایجاب از ناحیه موجب رجوع شده است یا خیر. از همین حیث کنوانسیون در جهت محدود کردن اختیار وسیع موجب در ماده ۱۶ از تئوری صندوق پست^{۱۱} حقوق انگلیس

پیروی کرده به این شرح که اگر مخاطب قبول را قبل از رجوع از ایجاب ارسال کند، موجب دیگر نمی‌تواند از ایجابش عدول کند. عبارتی نامه حاوی رجوع، باید قبل از ارسال قبولی به مخاطب برسد تا رجوع مؤثر گردد (Honold, ۱۹۹۹, p ۲۱۰). این مقرره که تحت تأثیر حقوق کامن لا و در جهت حفظ مصالح عمومی و منافع طرف قبول وضع گردید. موجب انتقاداتی از سوی حقوق دانان و مفسرین شده است چرا که جانبداری از شخص قابل گاه باعث نادیده گرفتن حقوق موجب می‌گردد (نقل از رفیعی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۲۳) در این حالت موجب نمی‌داند که آیا قبول ارسال شده یا اگر ارسال شده در چه موقع بوده و ممکن است بعداً به وی اطلاع داده شود که رجوع از ایجاب دیگر اثری ندارد. موجب بعد از پیشنهادش هر لحظه باید این احتمال را بدهد که زمان عدول منقضی شده و عجلتاً باید از کارهایی که مخارج بیشتری را به بار می‌آورد اجتناب کند. (داراب پور، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۲۰)

هر چند با پیشرفت وسائل ارتباطی چنین فرضیه‌ها و احتمالاتی کاهش یافته است چرا که مخاطب بعد از بررسی پیشنهاد موجب و نتیجه‌گیری، اراده خود را با ارسال نامه ای ابراز می‌دارد و به محض ارسال آن را به موجب اطلاع می‌دهد که قبولی را با نامه ای ارسال داشته است.

در هر حال در جهت تعدیل یک جانبه‌نگری این مقرره که با مقررات حقوق نوشته مابینت دارد، اثبات زمان ارسال قبولی بر عهده قابل گذاشته شده است به نحوی که او مکلف است به صورت کاملاً معین تاریخ ارسال را مشخص نماید (داراب پور، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۶).

۲-۱-۱-۳ ایجاب غیرقابل عدول نباشد

ایجاب غیرقابل عدول مطابق بند ۲ ماده ۱۵ در صورتی قابل رجوع است که اعلام رجوع، پیش از وصول ایجاب یا همزمان با آن به اطلاع مخاطب ایجاب برسد و ایجابی که تا قبل از انعقاد قرارداد و پیش از ارسالی قبولی مخاطب قابل رجوع است ایجاب ساده است (بند یک ماده ۱۶). کنوانسیون در بند ۲ ماده ۱۶ انواع ایجاب غیرقابل رجوع را بیان کرده و ذیلاً به بررسی آنها می‌پردازیم:^{۱۲}

الف- در صورتی که ایجاب، به واسطه قیدزمان جهت قبول آن یا به علت دیگر، حکایت از این داشته باشد که غیرقابل رجوع است که برگرفته از حقوق نوشته است.

ب- هر گاه تکیه مخاطب بر ایجاب به عنوان یک ایجاب غیرقابل رجوع، امری معقول بوده و بر همان اساس عمل کرده است که برگرفته از حقوق کامن لا است.

مقرر کردن این دو نوع ایجاب غیرقابل عدول نشان دهنده تلاش کنوانسیون برای ایجاد تلفیق میان حقوق کامن لا و حقوق نوشته محسوب می‌گردد (نقل از رفیعی مقدم، ۸۷، ص ۲۴).

این موارد ابتدائاً در جلسه هشتم گروه تحقیق آنستیرال به شکل ذیل بیان گردید:

۱۲- برخی از حقوق دانان برآنند که بین بند ۲ ماده ۱۵ و بند ۲ ماده ۱۶ از جهت امکان یا عدم امکان رجوع از ایجاب غیر قابل عدول تعارض وجود دارد، چون در بند ۲ ماده ۱۵ ایجاب حتی اگر غیر قابل رجوع باشد قابل انصراف است درحالیکه مطابق بند ۲ ماده ۱۶ اگر ایجاب به هر علت غیر قابل رجوع باشد، غیرقابل رجوع است. (شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۲) اما باید گفت که منظور از ایجاب غیرقابل عدول مذکور در بند ۲ ماده ۱۵ دو مورد اشاره شده در بند ۲ ماده ۱۶ است لذا هیچ گونه تعارضی قابل تصور نیست.

الف- چنانچه پیشنهاد صریحاً یا به طور ضمنی حاکی از این باشد که قطعی و غیرقابل عدول است.

ب- چنانچه دوره معینی از زمان را برای قبول یا غیرقابل عدول بودن تعیین کنند.

ج- در صورتی که برای مخاطب ایجاب معتدل باشد که بر روی ایجابی که مفتوح است اتکا کند و مشارالیه موقعیت خود را با اعتماد بر آن ایجاب به نحوی که ضروری باشد تغییر دهد.

در جلسات بعدی آنسیترال تغییراتی به اصل قابلیت رجوع و استثنای آن داده شد از جمله اینکه سعی شد که مورد سوم ایجاب غیرقابل رجوع حذف گردد زیرا تنها موجب است که باید قادر باشد از ایجاب عدول کند و اینکه این مقرر به خصوص برای هیات های نمایندگی سیستم های حقوق نوشته بی اندازه مبهم بود. در نتیجه گروه تحقیق با حذف قسمت دوم سومین استثناء، تصمیم به حفظ آن گرفت. (داراب پور، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۰ تا ۲۱۳)

التهیه این سه بند در دو بند ادغام گردید. هر چند هنوز هم در خصوص «قید زمان معین برای قبولی» تفسیرهای متفاوتی از سوی کشورهای حقوق نوشته و کامن لا می گردد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

۲-۱-۱-۳ بررسی ایجاب غیرقابل رجوع

۲-۱-۱-۳-۱ غیر قابل رجوع بودن ایجاب به واسطه قید زمان معین جهت قبول آن یا به علت دیگر

کشورهای حقوق نوشته بر این اعتقادند که اگر فرضاً موجب مهلتی سه ماهه برای قبولی مخاطب قرار می دهد. در این صورت ایجاب در مدت سه ماهه مذکور غیرقابل عدول می گردد. اما کشورهای حقوق کامن لا معتقدند که در این صورت ایجاب کماکان قابل رجوع است زیرا آنها بین عدول^{۱۳} و انقضای^{۱۴} تفاوت قائل می شوند و تعیین چنین مهلتی برای قبولی مخاطب صرفاً حاکی از این است که در آن اثناء پیشنهاد مفتوح خواهد بود و بعد از آن منقضی می گردد نه اینکه التزام موجب بر نگهداری ایجاب در مهلت سه ماهه مذکور استنباط گردد. (Ziegel, ۱۹۸۱: Available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/ziegel16.html>) البته اگر طرفین دعوا از سیستم های حقوقی مشابهی باشند اختلافی پدید نخواهد آمد چرا که اگر فرضاً طرفین از سیستم حقوقی نوشته باشند بی شک ایجاب غیرقابل رجوع محسوب می گردد. (داراب پور، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۸)

برخی شارحین کنوانسیون بر آن اند که تعیین مهلت برای قبولی این اماره را ایجاد می کند که ایجاب در زمان تعیین شده غیر قابل رجوع باشد؛ این اماره در صورت دلالت قرائن نشان می دهد که ایجاب پس از مدت تعیین شده، خود به خود منقضی می شود. بنابراین موجبی که از اظهارش برآید که تعیین مدت قبول صرفاً نشان دهنده تاریخ انقضای ایجاب است و بخواهد حق رجوعش محفوظ بماند^{۱۵}، می بایست این امر را تصریح نماید (Honnold, ۱۹۹۹, p. ۱۶) هر چند بعداً نظر موجب تغییر کند (Lookofsky, ۲۰۰۰, p. ۶۷). همانطور که برخی بر این نظرنند و آورده اند: در جایی که ایجاب کننده

۱۳-Revocation

۱۴-Laps

۱۵- به طور مثال در جایی که موجب اظهار می دارد که تا زمان دریافت پاسخ از جانب شما، ایجاب پا برجاست؛ تفسیر متعارضی از این اظهار، نمی توان داشت.

خودش نشان بدهد که ایجاب باید غیرقابل رجوع باقی بماند، نمی‌تواند از آن عدول کند. (Lookofsky, 2000, p. 67) & Sono, 1986, p. 116

در مقام تفسیر واحد از این بند کنوانسیون باید گفت که صرف تعیین مدت برای قبولی به این معنی نیست که ایجاب غیرقابل عدول است مگر اینکه از اوضاع و احوال قضیه بتوان به آن پی برد.^{۱۶} برخی نیز چنین فرضی (صرف تعیین مدت سبب غیرقابل رجوع شدن می‌گردد) را رد کرده و معتقدند تصویری که از این بند کنوانسیون می‌شود به سختی مربوط به ایجاب غیرقابل عدول می‌شود (Sono, 1986, p. 117).

همچنین گاهی به طور ضمنی از قرائن و اوضاع و احوال می‌توان التزام موجب نسبت به مدت معینه را دریافت کرد. برای مثال چنانچه آژانس مسافرتی A برای تعطیلات سال نو در بروشور خود از سفر دریایی تبلیغ کند و در آگهی بیاورد مسافری فقط تا سه روز آینده فرصت دارند بلیط رزرو کنند و پس از آن احتمالاً جای خالی یافت نخواهد شد. مفاد این آگهی خود دلالت بر این دارد که پیشنهاد در سه روز اول غیرقابل برگشت است. (رفیعی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۲۵) از قسمت انتهایی این نوع از ایجاب غیرقابل عدول (بند ۲ ماده ۱۶) که آمده «ایجاب به علت دیگر حکایت از این داشته باشد که غیرقابل رجوع است» می‌توان به این مسئله پی برد چرا که منظور از «به علت دیگر» در این بند التزام ناشی از قرائن و اوضاع و احوال است.

ذکر این نکته ضروری است که در التزام به بقای ایجاب چه از روی مدت معین برای قبولی و چه به علت دیگر (اوضاع و احوال) لازم نیست موجب در برابر آن عوضی از مخاطب دریافت کند. نفس التزام برای بقای آن کافی است. (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۴۲)

۲-۱-۱-۲ اقدام و اطمینان منطقی و متعارف مخاطب بر مبنای ایجاب غیرقابل عدول

شار حین در مقام تفسیر مقصود این بند را حفاظت از انتظارات عقیم شده ای می‌دانند که هم قانونی و مشروع و هم در جای خود متعارف و معقول می‌باشد (داراب پور، ۱۳۷۴، ص ۲۱۹).

مطابق این بند، مخاطب به این عقیده که ایجاب غیرقابل عدول است، اقدامی صورت داده و به ایجاب موجب اعتماد می‌کند حال باید بررسی کرد که آیا هر اعتماد و اقدامی را می‌توان در این استثناء گنجانند؟ کنوانسیون تا حد کافی شروطی را در این بند قرار داده که طی آن اطمینان و اعتماد مخاطب نسبت به ایجاب غیرقابل عدول باید متعارف و معقول باشد. شایسته بود در این بند، واژه «متعارف» متعاقب واژه معقول ذکر می‌شد. دیگر شرط اینکه مخاطب براساس این تکیه و اعتماد، اقدامی (اعم از عمل یا رفتاری) صورت داده باشد، مطابق این بند وجود هر دو شرط مذکور باید اثبات گردد و

۱۶- هم چنین عده ای از حقوق دانان بر این نظرند:

It is submitted each that case must be decided on its own facts, i.e., each individual offer should be interpreted on its own terms. Depending on the circumstances and the larger contractual context, the fact that an offer contains a statement relating to the time for acceptance may - or may not - be interpreted as (also) implying a promise not to revoke. (Lookofsky, 2000, p. 67)

هیچ یک به تنهایی کافی نخواهد بود. هم چنین مطابق رأی دادگاه آمریکا^{۱۷} ضرورتی ندارد استناد مخاطب ایجاب بر اعتماد و اقدام، برای موجب قابل پیش بینی باشد.

اقدامی که مخاطب بر اساس اعتماد بر ایجاب صورت می‌دهد عبارت‌اند از تهیه مواد اولیه برای تولید کالای موضوع ایجاب، خرید تجهیزات، انجام تحقیقات و یا تعهد در مقابل شخص ثالث به دلیل ایجاب انجام شده (Honnold, ۱۹۹۹, p.۲۱۱).

بعنوان مثال - شخص A که مدیر نمایندگی فروش ماشین سنگین است پیشنهاد ۲۰ دستگاه ماشین سنگین را به شرکت B می‌دهد. شرکت B نیز (قبل از اینکه قبولی خود را اعلام دارد) بر مبنای معاملات قبلی با شخص A از این حیث که به موقع انجام تعهد می‌نمود، ۲۰ راننده برای این ماشین‌های سنگین استخدام می‌کند تا هر زمان که این ماشین‌ها تحویل شرکت داده شد، راننده‌ها سریعاً شروع به کار کنند.

در این مثال ایجاب شخص A غیرقابل عدول محسوب می‌گردد زیرا اولاً شرکت B به ایجاب شخص A اعتماد کرده و ثانیاً در راستای این اعتماد منطقی ۲۰ راننده را استخدام کرده است.

همانطور که ملاحظه می‌شود دو شرط مذکور در استثنای دوم بند ۲ ماده ۱۶ در این مثال رعایت شده لذا موجب (شخص A) ملزم می‌گردد که ایجابش را نگه دارد.

هر چند به نظر نگارنده اثبات این بند کنوانسیون با مشکل همراه می‌شود زیرا صرف هر اعتماد و اقدامی را نمی‌توان مورد پذیرش قرار داد^{۱۸} اما به هر حال این استثناء در جهت حفظ منافع خریدار (مخاطب) بودن تا در صورت اثبات ادعایش، ایجاب موجب را غیرقابل عدول سازد.

سوالی که مطرح می‌شود این است: ایجابی که مطابق بند ۲ ماده ۱۶ کنوانسیون غیرقابل رجوع است تا چه زمانی پابرجاست؟ به عبارتی مخاطب تا چه زمانی فرصت دارد که ایجاب را پاسخ دهد؟ تکلیف این امر را ماده ۱۸ کنوانسیون مشخص کرده و مقرر شده اگر برای قبول مهلتی معین نشده، مخاطب موظف است ظرف مهلت متعارف قبول خود را اعلام کند.

ذکر این نکته ضروریست که در دو مورد ایجاب غیرقابل عدول ذکر شده (بند ۲ ماده ۱۶) اینکه گفته می‌شود موجب حق عدول ندارد به این معنی نیست که اصلاً چنین حقی ندارد بلکه چنانکه اشاره شد در این نوع ایجاب نیز مطابق بند ۲ ماده ۱۵ امکان (اعلام) رجوع تا قبل از وصول ایجاب به مخاطب یا همزمان با آن وجود دارد.

۲-۱-۲ رجوع از ایجاب در حقوق ایران

در این خصوص میان فقها و حقوق‌دانان اتفاق نظر وجود ندارد، لذا ابتدا به تشریح نظریات فقها و حقوق‌دانان پرداخته می‌شود و نهایتاً نتیجه امکان یا عدم امکان رجوع در انواع ایجاب‌ها بیان می‌شود.

۲-۱-۲-۱ قابلیت رجوع از ایجاب ساده

۱۷- Geneva Pharmaceuticals Technology Corp. v. Barr Laboratories, Inc., et al.

Available at: <http://www.unilex.info/case.cfm?id=۷۳۹>

۱۸- برای اینکه اعتماد مخاطب معقول و متعارف باشد باید قرائنی بر اینکه ایجاب غیرقابل رجوع است وجود داشته باشد.

در این نوع از ایجاب نظر فقها و حقوق دانان این است که چنین امکانی وجود دارد چرا که ایجاب به عنوان موجودی اعتباری، می تواند پیش از انضمام قبول به آن، با همان اراده که آن را انشا کرده از بین برود (انصاری، ۱۴۱۰، ص ۲۸۰). برخی حقوق دانان دیدگاهشان را این گونه بیان کرده اند که ایجاب بیش از این نیست که موجب با ایقاع ایجاب خود، اراده و همکاری و مشارکت در ایجاد ماهیت حقوقی عقد را از راه ترکیب ایجاب با قبول طرف و التزام به مفاد عقد، در صورت تحقق آن را دارد نه پایبند کردن یک طرفه خود تا صدور قبول (شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵-۱۴۶ و بهرامی، ۱۳۸۶، ص ۵۳) و بالاخره اینکه اصل حاکمیت اراده اقتضا می کند که ایجاب به تنهایی الزام آور نباشد. (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۶۹) با بررسی ها و توجه به دیدگاه های علمای فقه و حقوق، این نتیجه حاصل می گردد که در ایجابی که نه از لفظ موجب نه از اوضاع و احوال و قرائن الزام آور بودن آن دریافت نمی شود، بی شک موجب می تواند از ایجابش رجوع کند. بدون آنکه بتوان برای او مسئولیتی متصور شد.

بعنوان مثال فرد الف که عمده فروش خشکبار است پیشنهاد یک تن بادام به قیمت ۱۰ میلیون را به شخص ب می دهد و شخص ب در حال بررسی کردن است که آیا می تواند با این قیمت بار را قبول کند یا خیر. در این فاصله شخص ج برای خرید بادام به انبار شخص الف مراجعه کرده و الف همان پیشنهادی را که به شخص ب داد به شخص ج می دهد و شخص ج هم قبول می کند و طی تماسی با شخص ب اظهار می دارد که از ایجابش رجوع شده است.^{۱۹} در این مثال هیچ حقی برای شخص ب بوجود نیامده و چنین ایجابی به تنهایی نمی تواند منشأ تعهد و التزام محسوب گردد. النهایه با پذیرش امکان رجوع در ایجاب ساده نشان می دهد که این مورد جزئی از موارد زوال ایجاب محسوب می گردد و اینکه در این خصوص حقوق ایران با کنوانسیون هماهنگ است چرا که در هر دو اصل بر قابلیت رجوع است.

۲-۱-۲-۲. قابلیت رجوع از ایجاب مهلت دار

در جایی که موجب صرفاً مهلتی برای قبولی مشخص می کند بحث است که آیا موجب می تواند ایجابش را در مدت مشخص شده پس بگیرد یا خیر؟ برخی معتقدند که در چنین ایجابی موجب قبل از انقضای مهلت حق عدول از ایجاب را ندارد چرا که به طور معمول وقتی فرصتی برای قبول داده می شود ظهور در التزام دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۱۷ و جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۳۱۰). در مقابل برخی حقوق دانان معتقدند که در این فرض هم اصل بر قابلیت رجوع است (شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵-۱۴۶ و قاسم زاده، ۱۳۸۹، ص ۶۲). با این استدلال که فقط زمانی می توان ایجاب را غیرقابل عدول دانست که همراه با التزامی باشد^{۲۰} (قاسم زاده، ۱۳۸۹، ص ۶۲-۶۳)، پس در چنین حالتی موجب می تواند ایجابش را پس بگیرد یا تصمیم خود را عوض کند و شرایط و مفاد ایجاب را تغییر دهد. با این تغییر در حقیقت ایجاب قبلی را پس گرفته است. (معزی، ۱۳۸۰، ص ۱۶)

۱۹- نظم در روابط اجتماعی و حمایت از اعتماد مشروع اشخاص اقتضاء می کند که رجوع از ایجاب به آگاهی مخاطب برسد ولی در حقوق کشور ما صرف اعلان اراده کافی است اما باید اذعان داشت که انسان متعارف مخاطب را در ابهام باقی نمی گذارد و پشیمانی خود را به اطلاع او می رساند. خودداری از این اقدام نوعی تقصیر است و خسارات ناشی از آن باید جبران گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۳۵-۳۶).

۲۰- دکتر شهیدی معتقد است حتی در موردی ایجاب همرا با التزام باشد نیز به دلیل عدم اعتبار برای تعهد ناشی از ایجاب (به عنوان تعهد یک طرفه)، موجب می تواند از ایجابش عدول نماید (شهیدی، ۱۳۸۹، ص ۵۲).

به نظر، صرف تعیین مهلت سبب التزام موجب نمی‌گردد زیرا بقای ایجاب صرفاً متکی به اراده موجب است (انصاری، ۱۴۱۰، ص ۱۰۲). همانطور که در مبحث زمان اعتبار ایجاب در حقوق ایران بحث شد گفته شد که در حقوق ایران به دلیل عدم نص، اصل بر این است که ایجاب تا قبل از انعقاد قرارداد قابل رجوع است مگر اینکه از لفظ موجب یا اوضاع و احوال کاشف به عمل آید که ایجاب الزام‌آور است. اما در چنین حالتی باید پذیرفت که در صورت رجوع موجب، سبب مسئولیت مدنی (در صورت تقصیر) برای او خواهد شد. زیرا آزادی اراده موجب در امکان رجوع، ملازمه ای با قائل شدن مسئولیت برای او ندارد. مضافاً اینکه با تعیین مدت، برای طرف ایجاب حقی متزلزل بوجود آمده است. هم چنین او ممکن است در این مدت از انجام برخی معاملات خودداری کرده باشد. بنابراین طبق مثال قبلی اگر شخص الف پیشنهاد خود را همراه با تعیین مهلت ۲۰ روزه به ب بدهد و شخص ب در حال بررسی باشد که آیا می‌تواند چنین پیشنهادی را با چنین قیمتی بپذیرد یا خیر و در این فرصت ۲۰ روزه شخص ج به انبار الف مراجعه و با پیشنهاد الف مواجه گردد و ج هم قبول کند، عقد بین الف و ج محقق شده است. طبق این مثال موجب صرفاً مهلتی تعیین کرده و هیچ التزامی از لفظ و اوضاع و احوال استنتاج نمی‌گردد، پس ایجاب کماکان قابل رجوع است اما در صورت رجوع، او در برابر شخص ب دارای مسئولیت مدنی (در صورت تقصیر) است.

التهایه با بررسی‌های صورت گرفته باید گفت که در ایجاب مدت‌دار هم حقوق ایران هماهنگ با کنوانسیون است. چرا که مطابق بند ۲ ماده ۱۶ اگر موجب تعیین مدت برای قبولی کند، در صورتی می‌توان آن را غیرقابل عدول دانست که صریحاً یا ضمناً یا از اوضاع و احوال بتوان چنین برداشتی کرد.

۲-۱-۲-۳ قابلیت رجوع در ایجاب غیرقابل عدول

برای ایجاب ملزم چند حالت می‌توان در نظر گرفت:

الف) زمانی که موجب به صراحت اعلام می‌دارد که از ایجاب خود رجوع نخواهد کرد.

ب) در جایی که موجب مهلتی برای قبولی مشخص کرده و صریحاً و یا ضمناً اعلام می‌دارد که ایجاب را در مهلت معینه نگه دارد.

ج) در جایی که اوضاع و احوال حاکی از آن باشد که ایجاب الزام‌آور است.

د) زمانی که موجب، ایجاب را ضمن عقد لازمی، الزام‌آور می‌کند.

نزد فقهای امامیه ایجاب در هر صورت قابل رجوع است و استثنائی هم قائل نیستند، پس موجب تا قبل از قبول طرف مقابل هر زمان می‌تواند از ایجابش عدول کند حتی اگر ملزم شده باشد که ایجاب را نگه خواهد داشت (نقل از قنوتی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳). نظر رویه قضایی کشور نیز متمایل به نظر مشهور است. (رفیعی مقدم، ۱۳۸۷، ۱۲۵) در میان حقوق‌دانان کشورمان نیز برخی همین عقیده را دارند و برای تعهد یک طرفه اعتباری قائل نیستند و معتقدند ایجاب حتی اگر الزام‌آور باشد قابل رجوع است (شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۶-۲۰۱-۲۰۲ و شهیدی، ۱۳۸۹، ص ۵۲). در مقابل مشهور حقوق‌دانان اعتقاد دارند که هرگاه ایجاب همراه با تعهد به نگهداری آن باشد، این تعهد حق رجوع از ایجاب را ساقط می‌کند زیرا

هیچ مانعی وجود ندارد که ایقاع بتواند حقی را از بین ببرد و التزامی بوجود آورد^{۲۱} (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۱۶). برخی دیگر در راستای این دیدگاه آورده‌اند که مصلحت نوعی در عقد غائبین طبعاً اقتضای لزوم را می‌نماید زیرا در غیر این صورت عقد غائبین استقرار و ثبات نمی‌گیرد.^{۲۲} (جعفری لنگرودی ۱۳۰، ۱۳۹۲)

به نظر می‌رسد در موردی که موجب، پیشنهادش را ضمن عقد لازمی، الزام‌آور می‌کند؛ امکان رجوع آن نیست. به عبارتی چون ضمن عقدی ملزم گشته که ایجابش محفوظ بماند، نمی‌تواند از آن عدول نماید. لذا رجوع بلااثر بوده و با انضمام قبول به آن عقد محقق می‌گردد. در واقع در این مورد بحث مسئولیت مدنی به دلیل وجود قرارداد منتفی است. درسه حالت دیگر (الف تا ج)، از آنجا ایجاب غیر قابل عدول محسوب می‌آیند، موجب ملزم به حفظ ایجاب می‌گردد و در صورت رجوع دارای مسئولیت مدنی خواهد بود.

۲-۲ زوال ایجاب با انقضای مدت

مطابق بند ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون هرگاه اعلام رضا ظرف مدتی که موجب تعیین کرده یا در صورت عدم تعیین ظرف یک مدت متعارف به وی واصل نگردد، قبول نافذ نخواهد بود.

حال اگر بعد از انقضای مدت‌های مذکور در بند ۲ ماده ۱۸، مخاطب قبولی خود را اعلام کند (یعنی قبولی دیررس مخاطب) این حق مطابق بند یک ماده ۲۱ کنوانسیون به موجب داده شده تا به طور شفاهی یا با ارسال نوشته‌ای به مخاطب، قبولی مزبور را نافذ و معتبر بدانند.^{۲۳} هم چنین در بند ۲ همین ماده آمده که «هرگاه نامه یا نوشته دیگری که متضمن قبول توأم با تأخیر است حکایت از این داشته باشد که ارسال آن در چنان اوضاع و احوالی صورت گرفته که اگر جریان انتقال به صورت عادی انجام می‌گرفت، ظرف مدت مقرر به ایجاب کننده می‌رسید، این قبول با تأخیر، یک قبول نافذ محسوب می‌شود مگر اینکه ایجاب کننده بی‌درنگ به طور شفاهی یا با ارسال یادداشتی به اطلاع مخاطب برساند که وی ایجاب خود را خاتمه یافته تلقی می‌کند».

در رأی داور پرونده شرکت اتریشی نیز این موضوع مورد توجه قرار گرفته است و قبولی با تأخیر را تحت مواد ۱۸ و ۲۱ کنوانسیون مورد پذیرش قرار داده است.^{۲۴} (<http://www.unilex.info/case.cfm?id=۱۲۳>)

۲۱- برای یافتن چنین راه‌حلی به بحث و نقد نظریات فرانسوی ابراز شده (نظریه ایقاع الزام آور، نظریه پیش قرارداد، نظریه جرم مدنی) در خصوص التزام موجب می‌پردازند. (برای ملاحظه مبسوط نظریات بنگرید به: کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۳۰۹ به بعد)

۲۲- برخی تقسیم‌بندی خاصی ابداع کرده‌اند و معتقدند که اگر موجب بگوید که تا یک هفته آینده از ایجابش برنمی‌گردد دو حالت متصور می‌گردد: اگر مخاطب سکوت کرد که چنین ایجابی الزام‌آور نیست و می‌توان از آن رجوع کرد، اما اگر مخاطب قبول کند که چنین ایجابی الزام‌آور باشد، در این صورت موجب حق بازگشت از ایجاب را نخواهد داشت و در صورت رجوع سبب مسئولیت قراردادی برای موجب می‌گردد (بهرامی، ۱۳۸۶، ص ۵۳)

۲۳- بند ۱ ماده ۲۱ اشعار دارد: چنانچه ایجاب کننده نافذ بودن قبول توأم با تأخیر را بی‌درنگ به طور شفاهی یا با ارسال یادداشتی به اطلاع مخاطب ایجاب برساند، این قبول نافذ خواهد بود.

۲۴- در انتهای رأی مقرر شده است:

از آنجا که در مواد مذکور مخاطب مرتکب تقصیر نشده، مورد حمایت قرار گرفته است. از این رو چنین قبولی نافذ است مگر اینکه موجب ایجابش را خاتمه یافته تلقی کند.

در هر دو حالت مذکور در ماده ۲۱ کنوانسیون، قاعده پذیرفته شده به نفع موجب است زیرا اراده او سرنوشت قرارداد را رقم خواهد شد.^{۲۵}

در حقوق ایران نیز همانطور که مورد اتفاق است با انقضای مهلت مقرر برای قبولی، ایجاب از بین خواهد رفت. (انصاری، ۱۴۱۰، ص ۲۷۳ و جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۰-۱۳۱ و شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۸ و امامی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۱) قبولی بعد از مدت معینه بی اثر است و بایستی آن را در حکم پیشنهاد تازه‌ای شمرد که نیاز به قبول دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۱۷).

ذکر این نکته ضروری است که اگر مهلتی برای قبولی معین نشده باشد، برای تشخیص اینکه مخاطب تا چه زمانی فرصت دارد قبولی یا عدم قبولی خود را اعلام کند باید به عرف رجوع کرد که قاضی در هر مورد با توجه به جهات مختلف و عرف و عادت آن را تعیین خواهد کرد.

برای محاسبه مهلت متعارف مواردی چون مدت وصول ایجاب به مخاطب و بالعکس و نیز شیوه ارسال ایجاب و قبول. بطور مثال با خودرو قرار است نامه حاوی ایجاب یا قبولی فرستاده شود یا وسیله ای دیگر. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۰)

چنانچه ملاحظه می‌شود در خصوص از بین رفتن ایجاب به سبب انقضای مدت حقوق ایران در کلیات امر مطابق کنوانسیون است. مقرر بند ۱ ماده ۲۱ کنوانسیون را نیز می‌توان در حقوق ایران قابل اعمال دانست. اما مقرر بند ۲ ماده ۲۱ کنوانسیون را نمی‌توان قابل اعمال در حقوق ایران دانست چرا که طبق اصول حقوقی چنین فرضی ایجاب تازه‌ای از سوی موجب صورت گرفته و نیاز به قبول مجدد دارد. مقرر بند ۲ ماده ۲۱ کنوانسیون به این نحو می‌توان در حقوق مورد سؤال قرار داد که اگر مخاطب در مدت مقرر برای قبولی به دلیل عذر موجه از جمله فورس ماژور نتواند قبولی را اعلام دارد، آیا قبولی بعد از این مدت نافذ است؟ در پاسخ باید گفت که نقش فورس ماژور در حقوق ایران عدم مسئولیت است نه اینکه حقی ایجاد کند. در مورد سؤال مذکور نمی‌توان به سبب فورس ماژور قائل به حقی برای مخاطب بود.

۲-۳ زوال ایجاب به واسطه رد آن از سوی مخاطب

طبق ماده ۱۷ کنوانسیون ایجاب حتی اگر غیرقابل رجوع باشد از هنگامی که رد آن از سوی مخاطب به موجب واصل می‌گردد، منتفی می‌شود.

In order to decide whether the future event could still occur, the sole arbitrator considered the relationship between the prospective sub-contractor and the main contractor. The former had made an offer to the latter fixing a time for acceptance, which had expired without an acceptance being made. The arbitrator, referring to Austrian law and also to Art. ۱۸(۲) CISG (though not stating why CISG was applied) held that an offer cannot be accepted after the time for acceptance has expired, unless the offeror orally informs the offeree without delay that it considers the late acceptance as effective (Art. ۲۱(۲) CISG).

۲۵- این قاعده برگرفته از قاعده معروف *nachfrist* حقوق آلمان است.

در این ماده نیز کنوانسیون نظریه وصول را مورد پذیرش داده است و رد ایجاب از سوی مخاطب زمانی مؤثر است که به موجب برسد. پس اگر قبل از رسیدن یا همزمان با آن، مخاطب به نحوی قبولی خود را اعلام دارد، قرارداد منعقد می‌گردد (وحدت ملاک از بند ۲ ماده ۱۵ کنوانسیون).

عبارت "حتی اگر غیرقابل رجوع باشد" در ماده ۱۷ کنوانسیون در مقابل نگرش برخی از حقوقدانان آمریکایی بیان شده است. چرا که معتقدند ایجاب، فقط در صورتی زوال می‌یابد که موجب با تکیه به رد ایجاب از سوی مخاطب، تغییر نظر داده باشد. (Michael J, (1990, p 493) بر پایه این نظر در صورت عدم تکیه و توجه موجب به رد از سوی مخاطب، ایجاب کماکان معتبر است. در رد این دیدگاه آمده است که " زمانی که ایجابی رد می‌شود هیچ دلیلی وجود ندارد که موجب انتظار بکشد که آیا مخاطب نظرش تغییر کرده یا خیر" (Honnold, 1999, p 169) به لحاظ منطقی نیز نگرش برخی از حقوقدانان آمریکایی به صواب نزدیک نیست چرا که حتی اگر بر این اعتقاد باشیم که پس از اظهار اراده غیرقابل رجوع موجب به مخاطب، برای او حقی (هرچند متزلزل) ایجاد می‌شود؛ این حق توسط صاحبش از بین رفته است (رد شده است). لذا موضوعیتی ندارد که موجب در انتظار باشد که مخاطب به چه اندیشه ایست.

هرچند که در رویه دادگاه‌های آمریکا، این نگرش اقلیتی (عدم تأثیر رد ایجاب از سوی مخاطب در ایجاب غیر قابل رجوع) مربوط به پرونده‌هایی همچون اجاره به شرط تملیک است که شرط غیر قابل رجوع بودن ایجاب ارزش زیادی دارد؛ لذا رد آن ضرر هنگفتی برای ایجاب کننده به همراه خواهد داشت. (Honnold, 1999, p 170)

در حقوق ایران نیز رد ایجاب از سوی مخاطب سبب زوال ایجاب می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۲۹ و قاسم‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۶۴ و معزی، ۱۳۸۰، ص ۱۶ و صفایی، ۱۳۸۶، ص ۷۱ و طاهری، ۱۴۱۸، ق، ج ۳، ص ۱۳۹). برخی دلیل آن را از ملاک ماده ۲۵۰ ق.م استنباط کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۲۹). این ماده در خصوص معامله فضولی مقرر می‌دارد که «اجازه در صورتی مؤثر است که مسبوق به رد نباشد والا اثری ندارد» که اعلام رد مالک عقد را از بین می‌برد و اجازه بعد از رد بی‌اثر می‌باشد.

ذکر این نکته ضروری است که اعلام رد باید به طور صریح یا ضمنی باشد؛ به عنوان مثال در جایی که مخاطب اعلام می‌دارد که آیا پرداخت ثمن در دو قسط ممکن است یا خیر، این رد محسوب نمی‌شود چرا که نه صریحاً نه ضمناً رد دریافت نمی‌شود. پس می‌توان گفت در خصوص رد مخاطب حقوق ایران مطابق با کنوانسیون است بجز بحث وصول رد به موجب.

۲-۴ زوال ایجاب به واسطه ایجاب متقابل

مطابق بند یک ماده ۱۹ کنوانسیون هرگونه پاسخ به ایجاب که ظاهراً قبول ایجاب بوده ولی متضمن اضافات، محدودیت‌ها یا سایر اصلاحات نسبت به ایجاب باشد، به منزله رد ایجاب است و ایجاب متقابل است. در انتهای ماده مواردی که شرایط ایجاب را به طور اساسی تغییر می‌دهد بیان شده است: ثمن، تأدیه، وصف و مقدار کالا، مکان و زمان تسلیم کالا، حدود مسئولیت هر یک از طرفین نسبت به دیگری یا حل اختلافات.

در پرونده خریدار فرانسوی و فروشنده آلمانی در سال ۱۹۹۸، دادگاه عالی فرانسه در تأیید رأی دادگاه بدوی مستند به مواد ۱۸ و ۱۹ کنوانسیون، قبولی با شروط مختلف مخاطب که فراتر از شرایط پیشنهاد موجب بوده است را ایجاب متقابل (مربوط به حل و فصل اختلافات- بند ۳ ماده ۱۹) در نظر گرفت.

(<http://www.unilex.info/case.cfm?id=۲۸۱>)

حال اگر مخاطب شروط اضافی یا متفاوتی نسبت به ایجاب بیان دارد که شرایط ایجاب را به طور اساسی تغییر ندهد، قبول محسوب می‌شود مگر اینکه موجب بدون تأخیر موجه، شفافاً یا با ارسال یادداشتی، نسبت به مغایرت اعتراض کند. چنانچه بدین نحو اعتراض نکنند، شروط قرارداد عبارت‌اند از شروط ایجاب به علاوه اصلاحات مندرج در قبول (بند ۲ ماده ۱۹ کنوانسیون).

برخی معتقدند که قاعده‌ای که قبول اصلاح شده را موجب یک ایجاب متقابل می‌داند، بسیار خشک و بی‌انعطاف تلقی می‌کند و مقرر مذکور در کنوانسیون را مورد تأیید قرار می‌دهد (اشمیتوف، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۴۱) بنا بر این بند قبولی که همراه با قیود غیراساسی است، زمانی باعث انعقاد قرارداد می‌گردد که هر دو شرط بند ۲ (تغییرات غیراساسی و عدم اعلام مخالفت موجب) جمع شود.

در این خصوص در حقوق ایران نصی وجود ندارد ولی قاعده این است که مفاد قبول باید این معنی را برساند که ایجاب به همان گونه که انشاء گردید مورد قبول قرار گرفته است. برخی معتقدند که هرگونه تغییر حتی جزئی در ایجاب سبب زوال آن خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۲۶ و شهیدی، ۱۳۸۹، ص ۵۳) برخی نیز آن را فقط در شروط اساسی سبب زوال می‌دانند. عقیده گروه اول این است که در عقود معوض، ایجاب قابل تبعوض نیست و بایستی تمام آن، چنانکه هست پذیرفته شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۲۶) در تلفیق این دو دیدگاه می‌توان گفت اگر شرط یا تغییر جزئی که مخاطب وضع کرده مورد پذیرش موجب باشد، عقد محقق می‌گردد با همان تغییرات جزئی و غیراساسی. ولی اگر این تغییرات اساسی باشد یا جزئی باشد و مورد پذیرش موجب قرار نگیرد، سبب زوال ایجاب می‌گردد. اما برخی تغییرات اساسی را نیز با پذیرش موجب سبب انعقاد عقد می‌دانند. (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۵۲) پس نتیجتاً باید گفت در خصوص ایجاب متقابل هم حقوق ایران تا حدود زیادی با کنوانسیون موافق است جزء در خصوص سکوت موجب، چرا که اگر موجب نسبت به شروط و اضافات غیراساسی سکوت کند، عقد محقق می‌گردد ولی در حقوق ایران باید به تأیید موجب برسد و سکوت او مطابق قاعده به معنی عدم رضاست. در پایان باید اشاره کرد در سایر موارد که کنوانسیون نصی پیرامون زوال ایجاب ندارد به حقوق ملی طرفین دعوا رجوع می‌شود. از جمله آن‌ها می‌توان به مرگ یا حجر^{۲۶} یکی از طرفین، ممنوعیت قانونی موضوع ایجاب، تکرار ایجاب (اساده) قبل از قبول^{۲۷}، ایجابی که بقایش منوط به شرطی است که منتفی

۲۶- ماده ۱۱ قانون یکنواخت ۱۹۶۴ لاهه راجع به تشکیل قراردادهای بیع بین المللی کالا مقرر کرده بود "... تشکیل قرارداد تحت تأثیر محجور شدن طرف قرارداد پیش از قبول قرار نمی‌گیرد، مگر اینکه قصد طرفین یا عرف یا ماهیت قرارداد ایجاب کند." ماده ۴ کنوانسیون مقرر می‌دارد که مقررات این کنوانسیون صرفاً ناظر بر انعقاد قرارداد بیع و حقوق و تعهدات طرفین می‌باشد. این ماده یکی از موضوعاتی را که صریحاً از چارچوب کنوانسیون خارج نموده، اعتبار قرارداد می‌باشد. بنابراین در خصوص موضوعاتی نظیر اهلیت قراردادی حقوق داخلی اعمال خواهد شد (Schlechtriem & butler, ۲۰۰۹, p. ۳۲).

۲۷- برای دیدن مثال ر.ک به: فتاوی، ۱۳۸۳، ص ۳۴۵

شده^{۲۸}، اشاره کرد. در حقوق ایران موارد مذکور را می‌توان از موجبات زوال ایجاب قلمداد کرد. به عنوان نمونه در فرضی که دولت، فروش کالا را قبل از تسلیم مبیع ممنوع می‌کند و موجب انفساخ عقد بیع می‌گردد (مصادقی از ماده ۳۸۷ ق.م) به طریق اولی این مورد را باید قبل از قبولی مورد پذیرش قرار داد به عبارتی دیگر در این فرض ایجاب موضوعیت خود را به واسطه منع قانونی از دست داده و مهملی برای قبولی باقی نیست، لذا ایجاب منتفی می‌گردد.

نتیجه گیری

از بررسی‌های انجام گرفته نتایج ذیل حاصل می‌گردد:

۱- مطابق کنوانسیون رجوع از ایجاب ساده قبل از قبولی و رجوع از ایجاب غیر قابل عدول قبل از وصول ایجاب، از موارد زوال ایجاب محسوب می‌گردد. ضمناً صرف تعیین مدتی جهت قبولی، نباید این گونه تفسیر شود که ایجاب غیرقابل عدول است مگر اوضاع و احوال قضیه این امر را تأیید نماید. از این منظر حقوق ایران در کلیات امر با کنوانسیون مطابقت دارد، تفاوت‌ها در این است که تعیین زمان‌های در نظر گرفته شده در کنوانسیون (ارسال، وصول) در حقوق ایران وجهی ندارد و اینکه در حقوق ایران، رجوع از ایجاب ملزم و مدت دار، در صورتیکه با تقصیر موجب همراه باشد سبب مسئولیت قهری برای او می‌شود.

۲- حقوق ایران و کنوانسیون در منقضی شدن مدت برای قبولی در تطابق است جز در مقرر بند ۲ ماده ۲۱ کنوانسیون، به این دلیل که نمی‌توان برای مخاطبی که به هر دلیلی قبولی خود را در مدت معینه ابراز نداشته، حقی قائل شد و در صورت راضی بودن موجب نیز، این امر به ایجاب تازه ای نیاز دارد زیرا ایجاب قبلی منتفی شده تلقی می‌گردد.

۳- تنها تفاوت حقوق ایران با کنوانسیون در خصوص رد مخاطب بحث لزوم وصول رد به موجب است.

۴- در مورد ایجاب متقابل حقوق ایران تا حدود زیادی با کنوانسیون هماهنگ است چرا که اگر شروطی از طرف مخاطب مشخص می‌شود اساسی باشد در هر صورت ایجاب متقابل است و از اسباب زوال ایجاب. تفاوت در آن است در حقوق ایران اگر شروط و اضافات غیر اساسی باشد و مورد پذیرش موجب قرار نگیرد، ایجاب متقابل محسوب می‌گردد؛ ولی مطابق کنوانسیون در صورت سکوت موجب نیز ایجاب متقابل است.

در مجموع ملاحظه می‌شود که موضع حقوق ایران نزدیک با کنوانسیون است لذا از این حیث الحاق دولت ایران به کنوانسیون بلااشکال است. در موارد اختلافی که بیان شد، دولت ایران می‌تواند از حق شرط استفاده نماید.

فهرست منابع:

الف-فارسی:

- اسماعیلی، محسن (۱۳۷۷)، "زوال ایجاب از دیدگاه فقه و حقوق تطبیقی و کنوانسیون بیع بین المللی کالا"، مجله مدرس، شماره ۹.
اشمیتوف، کلایو ام (۱۳۷۸)، *حقوق تجارت بین الملل*، ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران، تهران: سمت، چاپ اول، جلد چهارم.

- اصغری، فخرالدین و ایزدی فرد، علی اکبر و کاویار، حسین (۱۳۹۱)، "بررسی تطبیقی امکان سرایت قواعد قبول پستی بر قبول الکترونیکی"، *مجله مطالعات حقوقی*، دوره چهارم.
- افتخاری، جواد (۱۳۸۲)، *کلیات عقود و حقوق تعهدات*، تهران: میزان، چاپ اول.
- امامی، سیدحسن (۱۳۷۱)، *حقوق مدنی*، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ سوم، جلد اول.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۰ ه.ق)، *مکاسب*، چاپ سنگی.
- بهرامی، حمید (۱۳۸۶)، *کلیات عقود و قراردادها*، تهران: میزان، چاپ دوم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲)، *تأثیر اراده در حقوق مدنی*، تهران: گنج دانش، چاپ سوم.
- _____ (۱۳۸۸)، *دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت*، تهران: گنج دانش، چاپ اول.
- داراب پور، مهرباب (۱۳۷۴)، *تفسیری بر حقوق بیع بین المللی (ترجمه)*، تهران: گنج دانش، چاپ اول، جلد اول.
- رستمی چلکاسری، عبدالله (۱۳۸۹)، "بررسی تطبیقی زمان تشکیل عقد در عقود مکاتبه ای در حقوق ایران، مقررات کنوانسیون ۱۹۸۰ و حقوق انگلیس"، *پژوهشنامه حقوقی*، شماره اول.
- رفیعی مقدم، علی (۱۳۸۷) "بررسی تطبیقی عدول از ایجاب در حقوق ایران، فرانسه، کنوانسیون ۱۹۸۰"، *فصلنامه علوم انسانی و اسلامی*، شماره اول و دوم.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۲)، *تشکیل قراردادها و تعهدات*، تهران: مجد، چاپ سوم.
- _____ (۱۳۸۹) *حقوق مدنی ۳*، تهران: مجد، چاپ چهاردهم.
- صفایی، حسین (۱۳۸۶)، *قواعد عمومی قراردادها*، تهران: میزان، چاپ پنجم.
- صفایی و دیگران (۱۳۹۰)، *حقوق بیع بین المللی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸ ق)، *حقوق مدنی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد سوم، چاپ دوم.
- طباطبایی، سیدمحمدکاظم (بی تا)، *حاشیه بر مکاسب*، چاپ سنگی.
- قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۹)، *اصول قراردادها و تعهدات*، تهران: دادگستر، چاپ چهاردهم.
- قنوتی، جلیل (۱۳۸۶)، "ایجاب ملزم در آیین تطبیق"، *مجله مطالعات اسلامی*، شماره ۷۷.
- _____ (۱۳۸۳)، *مطالعه تطبیقی ایجاب و قبول*، قم: نشر موسسه بوستان کتاب قم، چاپ اول.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، *قواعد عمومی قراردادها*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم، جلد اول.
- _____ (۱۳۹۲)، *عقود معین (معاملات معوض-عقود تملیکی)*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوازدهم، جلد اول.
- محقق داماد، سیدمصطفی و دیگران (۱۳۷۹)، *حقوق قراردادها در فقه امامیه*، تهران: سمت، چاپ اول، جلد اول.
- معزی، امیر (۱۳۸۰)، *حقوق مدنی ۳*، تهران: مجد، چاپ اول.
- ب- انگلیسی:

Honnold, John (۱۹۹۹), *Uniform Law for International Sale under the ۱۹۸۰ United Nations Convention*,
 kluwer law international.

Jacob, Ziegel(1981), "Report to the Uniform Law Conference of Canada on Convention on Contracts for the International Sale of Goods" Available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/ziegel17.html>

Lookofsky, Joseph(2000), "The 1980 United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods", Available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/loo16.html>.

Michael J, Cozzillio(1990), *The Option Contract: Irrevocable Not Irretractable*, Catholic University Law Review, Vol.39.

Schlechtriem, Peter & Butler, Petra(2009), *Law on International Sales*, Springer, verlag berlin Heidelberg.

Sono, Kazuaki(1986), "Formation of International Contracts under the Vienna Convention: A Shift above the Comparative Law", Available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/sono2.html>

<http://www.unilex.info>